

مقایسه آثار تفسیری شیعه در دو سده نخستین (با تأکید بر ابزار و منابع)

طاهره رحیم‌پور ازغدی^۱

چکیده

هدایت‌پذیری از قرآن کریم در گرو فهم دقیق آن است. از این رو مفسران شیعی از عصر پیامبر (ص) تا کنون به تفسیر آیات الهی همت گمارده و آثار متفاوتی را تولید کرده‌اند. به نظر می‌رسد کیفیت منابع و ابزار مفسران، یکی از مهم‌ترین علل تفاوت سبک‌های آنان می‌باشد. نوشتار حاضر با روش اسنادی - تحلیلی به بررسی و مقایسه مکتوبات تفسیری دو سده اول می‌پردازد؛ زیرا این دوره آغاز نضج‌گیری مدارس و بستر تربیت نخبگان تفسیری است. این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه سده دوم با افزایش کمی و تنوع کیفی را از نظر اختلاف مدارس و شیوه‌های تفسیری روبه‌روست ولی نوشته‌های سده اول بدلیل بهره‌مندی از دانش معصومین (علیهم السلام) از محکمی، قطعیت، قوت سندی، مغشوش نشدن به اخبار اهل کتاب و تفسیر به رأی برخوردار بوده که از مهم‌ترین امتیازات در علوم نقلی به شمار می‌آید. به عبارت دیگر مهم‌ترین دلیل ضعف مکتوبات قرآنی سده دوم هجری عدم بهره‌وری از آراء تفسیری امامان شیعه است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، مکاتب تفسیری، تفسیر به رأی، شیعه.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. rahimpoor@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۰

مقدمه

دانشمندان شیعی از صدر اسلام با تألیف آثار ارزشمندی در رشته‌های علوم قرآنی، تفسیر، حدیث، فقه و سایر علوم حضور موثری در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند. ولی به دلیل سیاست خلفای اموی و عباسی در مخدوش کردن بعد علمی مکتب تشیع، خدمات آنان مورد توجه قرار نگرفته است؛ به همین دلیل بازخوانی میراث مکتوب شیعه برای بهره‌مندی از دانش پیشینیان ضرورت دارد. در این مهم، نقد و بررسی نگارش‌ها و روش‌های متقدمین زمینه تولید آثار دقیق‌تر و عمیق‌تر را برای آیندگان فراهم می‌کند. این مطالعه سعی دارد ضمن در نظر گرفتن شرایط زیسته مفسران، تولیدات آنان را به قضاوت بنشیند تا از این رهیافت چالش‌ها و آسیب‌های دانش تفسیر بازنمایی گردد. در این نوشتار مقصود از شیعه پیروان خلافت حضرت علی (ع) و فرزندان او (مشکور، ۱۳۷۵: ۲۷۲) می‌باشد و تفسیر، علمی است که دربارهٔ چگونگی نطق به الفاظ قرآن و مدلولات و احکام فردی و ترکیبی و معانی که در آن الفاظ احتمال می‌رود، در حال ترکیب سخن می‌گوید. نیز روش تفسیری یعنی استفاده از ابزار یا منابع خاص در تفسیر قرآن که معانی و مقاصد آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. (ابن فارس، ۱۴۲۸: ۱۰۰۰)

کاربرد عناوینی چون مکاتب، منابع، مدارس، اتجاهات و الوان تفسیری در مورد روش‌های مفسران نشان می‌دهد که به شیوه‌های آنان بر اساس گرایش‌های فکری و اعتقادی خاص مکتب، مدرسه و منهج اطلاق می‌شده است. هر چند در مورد مدرسه یک معنی دیگر هم صادق است؛ زیرا مدرسه تفسیری یعنی آموزشگاهی که مفسر در آن به تعلیم و تعلم تفسیر می‌پردازد. موضوع روش‌های تفسیری زیرمجموعه مباحث علوم قرآنی و حلقه واسطه میان تفسیر و علوم قرآنی است. اهمیت بحث روش در تفسیر قرآن به حدی است که برخی با تمسک به حدیث «من فسر القرآن برأیه فأصاب، فقد أخطأ» (راغب، ۱۴۰۵: ۹۳) ملاک مشروعیت تفسیر را به رسیدن یا نرسیدن به معنا و مراد، بلکه گزینش و اتخاذ روشی صحیح در فهم کلام الهی دانسته‌اند. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۳: ۳۳۰) در این پژوهش با روش اسنادی - تحلیلی ابتدا مفسران شیعی و آثار مهم در سده اول و دوم معرفی می‌شوند؛ سپس با توجه به این که تفاوت برداشت‌ها در تفسیر منشأ بسیاری از اختلافات دینی است، نگارش‌های تفسیری دو سده به تفکیک سبک‌ها، حوزه‌ها و رشد کیفی این تألیفات مقایسه می‌گردد. در ارتباط با آثار تفسیری مقالات متعددی مانند مدرسه تفسیری مدینه و میراث قرآنی شیعه، مکتب تفسیری باطنیه، روش تفسیری امام رضا (ع) و بررسی روش تفسیری امامیه در آیات تشبیهی که در مورد سبک تفسیری یک مذهب یا یک فرد نوشته شده است، ولی این تحقیق آثار مفسران دو عصر متوالی را بر اساس منابع و ابزار به مقایسه می‌نشیند. بدین ترتیب علاوه بر روشن شدن تحولات این علم در دو قرن، امتیازات و کاستی‌های متون تفسیری هم بازنمایی می‌گردد.

۱- سبک‌های تفسیر قرآن

محققان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای روش‌های تفسیر قرآن مطرح کرده‌اند که یکی از آنها تفسیر بر اساس منابع و ابزار در کشف معانی است. سبک‌های تفسیری در چنین ساختاری به روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی، تفسیر ادبی، تفسیر عقلی و تفسیر باطنی (اشاری) تقسیم می‌گردد.

۱-۱- تفسیر قرآن به قرآن

پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع)، صحابه و تابعین از این روش در تفسیر قرآن بهره گرفتند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۶۳/۱-۲۶۶) در این شیوه دو نظریه قرآن‌بستگی مطلق و نسبی قابل رصد است. گروه اول معتقدند که تمام معارف، احکام و دانستنی‌های لازم دین را می‌توان با تدبر در آیات و ملاحظه برخی آیات در کنار برخی دیگر به دست آورد و به غیر آن نیازی نیست. در نظریه استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر تا جایی که امکان دارد باید آیات را با تدبر در خود آیات و استمداد از آیات دیگر تفسیر کرد. (همان: ۱۲۷/۲) اما دسته دوم مدعی هستند، هر چند تفصیل معارف و تشریح جزئیات احکام دین را نمی‌توان از قرآن به دست آورد ولی می‌توان همه آیات قرآن را به کمک خود قرآن تفسیر کرد. آیت الله جوادی آملی می‌نویسد: «در روش قرآن به قرآن هر آیه از قرآن

کریم با تدبر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود؛ تبیین آیات فرعی به وسیله آیات اصلی و استدلال به آیات قوی‌تر در تفسیر بر این مبنا است که برخی از آیات قرآن همه موارد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد و برخی از آیات عهده‌دار بخشی از مواد چنین بنایی است. از این رو آیات دسته دوم با استمداد از آیات گروه اول تبیین و تفسیر می‌شود.» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۶۱/۱)

۲-۱- تفسیر روایی

این سبک از کهن‌ترین و عمده‌ترین شیوه‌های تفسیر به‌مأثور است؛ بر اساس این دیدگاه فهم حقیقی قرآن تنها از عهده انسان‌های برگزیده الهی ساخته است. تفسیر روایی، جنسی است که ذیل آن می‌توان سه نوع، تفسیر قرآن با روایات و سنن نبوی (ص)، روایات و سنن ائمه اطهار (ع) و سخنان صحابه و تابعین را تصور کرد. شایان ذکر است که درباره ضرورت استفاده از روایات در قرآن برخی معتقدند برای فهم و تفسیر قرآن نیازی به روایات نیست، گروهی برای فهم قرآن راهی جز مراجعه به روایات قائل نیستند و بالأخره عده‌ای روایات را وسیله و قرینه‌ای برای فهم و تفسیر آیات می‌دانند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۱/۱۴۰)

۳-۱- تفسیر ادبی

پیشینه استفاده از روش ادبی به عصر نزول بر می‌گردد. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر شرح معنا به توضیح غوامض الفاظ قرآن هم می‌پرداخت، اصحاب و تابعین نیز برای فهم عمیق‌تر معانی برخی از لغات، به میراث ادبی عرب مراجعه می‌کردند. مانند پاسخ‌های ابن عباس به نافع بن ازرق که با استشهاد به اشعار عرب برخی لغات قرآن را معنی کرد. مراحل تفسیر ادبی عبارت از: شناخت قرائت، شناخت مفاهیم واژگان و توجه به قواعد ادبیات عرب می‌باشد. (همان: ۲۶۹-۲۵۴)

۴-۱- تفسیر عقلی

از این سبک به عنوان روش تفسیر اجتهادی و گاهی یکی از شیوه‌های تفسیر به رأی یاد می‌گردد. برخی از انواع کاربردهای عقل در تفسیر قرآن و مورد اتفاق مفسران فریقین، عبارتند از: استفاده از عقل برای درک ضروریات، توضیح آیات، استنباط گزاره‌های نظری، قوه مستقل در ادراک حسن و قبح و تأویل ظواهر برخی آیات.^۲

۵-۱- تفسیر باطنی

این روش با عناوینی چون اشاری، عرفانی، شهودی، رمزی، صوفی و... به کار می‌رود. اغلب پیروان روش تفسیر باطنی چندان به اصول لفظی و قواعد ادبی پای‌بند نبودند. (معرفت، ۱۳۸۵: ۳۷۹/۲) و اندک تناسبی کافی بود تا از ظواهر آیات به سوی معانی باطنی مورد نظر خود، عدول نمایند. چون به اعتقاد آنان هر آیه دو وجه وجودی دارد، یک وجه باطنی که اهل حق آن را در آئینه جان‌های خویش می‌بینند و دیگر، حقیقتی که در خارج از جان‌های اهل حق است. آنان این معانی را از طریق شهود باطنی به دست می‌آورند. (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۲) قائلان به این روش ثمره چندان در بحث‌های مصطلح علمی و استدلال‌های فکری نمی‌بینند. گفتنی است، برخی صاحب‌نظران بر این باورند که این تفاسیر جنبه تفسیری نداشته، بلکه احیاناً حق تعالی به عارفان پاک‌اندیش،

۱. از آنجا که بیشتر روایات تفسیری، خبر واحدند درباره حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن نیز سه دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاه موافقان حجیت خبر واحد مانند حنابل (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۳۹۲: ۶۷). دیدگاه مخالفان حجیت خبر واحد چون شیخ مفید، سید مرتضی. دیدگاه قائلان به تفصیل. صاحبان این دیدگاه معتقدند که خبر واحد فقط در حوزه آیات الاحکام حجیت دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ۱۵۸-۱۵۶/۱).

۲. ر.ک: پاکتچی، احمد، مدخل تفسیر، دایره المعارف اسلامی، جلد ۱۵.

هنگام استماع یا تلاوت آیات قرآنی عنایت کرده و افاضات و اشراقات ملکوتی بر ایشان رخ می‌دهد. (معرفت، ۱۳۸۵: ۲/۲۷۵) گروهی نیز معتقدند که نتایج حاصل از این روش را نمی‌توان مصداق تفسیر آیات دانست؛ چرا که استناد به دلالت لفظی که شرط اساسی تفسیر است در این روش جایی ندارد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۳۲۸)

۲- پیشینه علم تفسیر تا سده سوم

علوم قرآن در ترکیب اضافی به چهارده دسته تاریخ قرآن، علم رسم الخط، شناخت مکی و مدنی، علم شأن نزول، اسباب نزول، علم شناخت ناسخ و منسوخ، علم محکم و متشابه، تحدی، اعجاز و تحریف‌ناپذیری قرآن، تفسیر و تأویل، قرائت، تجوید و ترتیل، فقه قرآن، اعراب قرآن، قصص قرآن، غریب القرآن (واژگان‌شناسی)، ترجمه قرآن تقسیم می‌گردد. (تقی‌پور، ۱۳۷۱: ۲۱۴-۱۸۰) بررسی نگارش‌های قرآنی نشان می‌دهد که از بعثت پیامبر (ص) تا قرن اول هجری هیچ‌یک از علوم قرآنی به شکل علم مستقل در نیامده ولی پیامبر (ص) و برخی صحابه چون علی (ع)، ابن عباس، ابن مسعود، از ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مکی و مدنی آگاهی کامل داشتند. (طباطبایی، بی‌تا: ۴۴-۴۳) ابن‌ندیم از کتاب ابی‌بن‌کعب انصاری و تفسیر ابن‌عباس با عنوان «الکتب المؤلفه فی فضائل القرآن» نام می‌برد. (ابن‌ندیم، ۱۴۱۵: ۶۵-۶۱) از قرن اول تا پایان قرن پنجم علوم قرآن به طور مستقل و بدون عنوان علوم قرآنی، به رشته تحریر درآمده است.

کتاب علی بن مدین (۲۳۴ هـ ق) در اسباب نزول و ابوعبید قاسم بن سلام (۲۲۴ هـ ق) از این جمله است. (خرم‌شاهی، ۱۳۸۱: ۱۴۸) رسول خدا (ص) تفسیر قرآن را به شیوه نقل احادیث در تفسیر آیات و ارائه نمادین اصطلاحات قرآنی، به مسلمانان تعلیم می‌دادند. نقل شده چون آیه‌ای بر ایشان نازل می‌شد معانی و تفسیر آن را به تعدادی از صحابه که در فهم و درک آیات بسیار دقیق بودند، مانند علی، ابن مسعود و ابی بن کعب می‌آموختند. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۱۷۴/۱) ابن مسعود می‌گوید: «تا وقتی یکی از ما ده آیه را می‌آموخت، به سراغ آیات دیگر نمی‌رفت تا این که معانی آن آیات را به طور کامل فرا گیرد و به آنها عمل کند.» (معرفت، ۱۴۱۹: ۱۷۴/۱) اولین مفسر قرآن حضرت علی (ع) از عاملین جمع و تدوین قرآن کریم بود. علی (ع) در بین صحابه بیش از دیگران مورد توجه پیامبر (ص) بود. ایشان می‌فرماید: «آیه‌ای بر رسول خدا نازل نمی‌شد، مگر این که آن را بر من خواند و بر من املا می‌فرمود من آن را با خط خود می‌نوشتم و آن حضرت تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام آیات را به من می‌آموخت. پیامبر (ص) برای من دعا کرد که خداوند فهم و حفظ آیات را به من عطا کند و از زمانی که حضرت (ص) برای من دعا کرد هیچ آیه و دانش آن را فراموش نکردم.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۶۲/۱) امامان معصوم نیز به پیروی از علی (ع) به تفسیر پرداختند ولی متأسفانه آثار مکتوبی جز احادیث در کتب شیعه، از ایشان بر جای نمانده است. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۴۱۸/۲)

از آنجا که تفاسیر در ابتدا به طور شفاهی بیان می‌شد آمیخته‌ای از دانش یهود، نصاری، مجوس و سایر ادیان جزیره‌العرب در آنها رخنه کرد ولی با ظهور علم فلسفه و منطق و گرایش مسلمانان به آنها در مندرجات تفاسیر تجدیدنظر شد و مطالب مخالف عقل از تفاسیر حذف گردید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) دانشمندان اسلامی در این که چه حجمی از قرآن توسط پیامبر (ص) تفسیر شده، اختلاف نظر دارند. سیوطی تفسیر اندکی از آیات (سیوطی، ۱۳۸۰: ۱۷۴/۴) ذهبی تفسیر بیشتر آیات (علوی‌مهر، ۱۳۸۷: ۳۸۷) و ابن‌تیمیه تفسیر تمام آیات (ابن‌تیمیه، بی‌تا: ۳۵) را پذیرفته است. اما تمامی عالمان دینی در مورد شیوه تفسیری حضرت رسول (ص) که عبارت است از شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تفسیر مطلق و تخصیص عام اتفاق دارند.

گفتنی است، پس از رحلت پیامبر (ص) در سال ۱۱ هجری تفسیر، دوره جدید خود یعنی عصر صحابه را تجربه کرد. با توجه به این که «ابوالطفیل عامربن وائله» آخرین صحابی رسول خدا (ص) متوفی سال صد و ده هجری است. (خویی، ۱۴۰۹: ۲۰۴/۹) می‌توان آثار تفسیری سده اول را همان آثار صحابه نامید. سیوطی، ذهبی و آیت الله معرفت تنها به معرفی ۴ تن از مفسران معروف صحابه یعنی علی (ع)، ابن‌عباس، ابن‌مسعود، ابی‌بن‌کعب پرداخته‌اند. (سیوطی، ۱۳۸۰: ۱۲۷/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۱: ۹۳/۱-۶۱؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۲۱۱/۸) زیرا روایات بیشتری از ایشان نقل شده اما طبق منابع رجالی، اصحابی که در تفسیر آیات صاحب روایات بودند بیش

از چهار نفر می‌باشند. روشن است شناخت صحابی از نظر عدالت و وثاقت لازم است و تفسیر صحابه را تنها به دلیل این که راوی از اصحاب است نمی‌توان پذیرفت. به عبارتی دیگر، درست است که آنها به لحاظ زمانی پیامبر (ص) را درک کرده و به زمان نزول آشناترند ولی اقوالشان بدون استناد به پیامبر (ص) کلامی موقوف است و نمی‌تواند هم ردیف تفسیر پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) باشد. (مؤدب، ۱۳۹۰: ۵۹) مفسران شیعه نیز امامان را بزرگ‌ترین مفسران قرآن دانسته و هیچ‌گونه حجیتی برای اقوال صحابه و تابعین نمی‌شناسد مگر این که بر روایتی از رسول خدا (ص) و معصومان (ع) ختم گردد.

در سده دوم هجری صحابه به نقل احادیث تفسیری به جهت حفظ احادیث (از تحریف) توجه بیشتری داشتند. (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۷) مفسران برای بحث و گفتگو درباره تفسیر آیات، مجالس علمی برقرار کرده و تفسیر قرآن همراه با روایات متنوع آن در بین تابعین نقل می‌شد. البته به علت ممنوعیت روایت حدیث پس از رحلت پیامبر (ص)، این محافل به شکل غیررسمی برگزار می‌گشت. (ابوری، بی‌تا: ۲۶۷) دانشمندان شیعی برای کتابت این احادیث رنج‌های بسیاری متحمل شدند؛ زیرا علاوه بر مسئله ممنوعیت نگارش احادیث، باید برای جمع‌آوری روایات به بلاد دیگر اسلامی مسافرت کرده و احادیث را با سندی که به پیامبر (ص) یا صحابه می‌رسید، ضبط می‌کردند. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۱/۱۴۱) مفسران سده دوم احادیث تفسیری را از احادیث دیگر (اخلاقی، فقهی، کلامی) جدا کردند تا فهم آن آسان‌تر شود. در این فرایند، روایات تفسیری به تدریج بر اساس موضوع در بخش خاصی قرار می‌گرفت و پس از تبویب، ذیل آیات مرتب می‌شد. بدین‌گونه تفسیر ترتیبی آیات سامان گرفت و تفاسیر به ترتیب آیات منظم گردید.

شایان توجه است اغلب مفسران تابعی در سده دوم از شاگردان ائمه اطهار (ع) می‌باشند. امام علی (ع) با تربیت ابن عباس، ابن مسعود، حسن و حسین (ع) بستر گسترش علم تفسیر را فراهم نمود و در حقیقت هر کدام از شاگردان علی خود مفسران زیادی را تربیت کردند. روش تفسیری اهل بیت (ع) مانند رسول خدا (ص) تفسیر قرآن به قرآن بود. آنان بر سنت پیامبر (ص) در توضیح و تبیین مسائل اعتقادی، اخلاقی، حکومتی و فقهی استشهاد کرده و به تدبر در ظاهر و باطن آیات نیز بسیار تأکید می‌کردند. تفاسیر روایی خاندان طهارت در منابع ارزشمند شیعی اصول و فروع کافی، من لایحضره الفقیهه شیخ صدوق واستبصار و تهذیب شیخ طوسی موجود است. اقوال تفسیری امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در عصر صحابه از مهم‌ترین منابع تفسیری شیعه بود. علم تفسیر از دوره امامت زین‌العابدین تا امام زمان (ص) مقارن با عصر تابعین (سده دوم هجری) از آراء تفسیری معصومین نیز بهره برده است. حیات علمی امام رضا (ع) و امام جواد (ع) با اوج شبهات قرآنی مقارن گردید که پاسخگویی به این ابهامات میراث ارزشمندی را به جای گذاشت؛ امام حسن عسکری نیز دارای یک اثر تفسیری مهم است. (مفید، بی‌تا: ۳۰۴، ۲۹۸، ۲۷۰، ۲۶۱)

به طور کلی می‌توان گفت: مفسران اسلامی در قرون اول تا سوم هجری به دلیل رشد سایر علوم، روش‌های تفسیری را پدید آوردند که در تمام آنها اصل حراست از قرآن و آموزه‌های آن هم‌چنان حفظ می‌شد. از جمله تفسیر ابونصر محمد بن مسعود عیاش السلمی (۳) از فقه‌های شیعه امامیه، تفسیر نقلی علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م ۳۰۷) و تفسیر جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، طبری (م ۳۱۵) که در آن ابتدا اقوال مفسران قبلی بررسی و سپس تفسیر جدید مطرح شده است. روش طبری در بین تفاسیر این دوران، سبکی نو بود و زمینه پیدایش این قبیل تفاسیر پس از آن فراهم شد.

۱. میثم تمار (خویی، ۱۴۰۳: ۹۵/۱۹)؛ جابر بن عبدالله انصاری (صدر، بی‌تا: ۳۲۹/۱)؛ سعید بن جبیر (سیوطی، ۱۳۸۰: ۱۸۹/۲)؛ عکرمه (صدر، بی‌تا: ۳۲۳)؛ ابوالاسود دوئلی (همان، ۵)؛ علقمه (طوسی، ۱۳۸۰: ۵۰)؛ محمد بن کعب (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۴۲۰/۹)؛ سعید بن مسیب (ابن خلکان، بی‌تا: ۳۷۵/۲)؛ حسن بصری (ابن ندیم، ۱۴۱۵: ۳۹۲).

۲. ر.ک: سزگین، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴/۱

۳- مفسران سده اول

با توجه به تفاوت سطح علمی افرادی که با استناد به سخنان رسول خدا (ص) به توضیح آیات می‌پرداختند، در این قسمت تنها از مفسرانی که به شهرت و کثرت روایات تفسیری معروف هستند، یاد می‌شود.

۳-۱- عبدالله بن عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، پسر عم رسول خدا (ص) به سبب خویشاوندی با پیامبر (ص) ملازم آن حضرت بود. برخی ابن عباس را محب علی بن ابی طالب (ع) و پیرو او در علم تفسیر می‌دانند. او یکی از راویان حدیث غدیر است که به ولایت و خلافت امام علی (ع) تصریح می‌کند و شارح آن نیز می‌باشد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۸: ۲۵/۳؛ معرفت، ۱۳۸۵: ۱/۲۲۷). تنها شبهه درباره او بدلیل قول کَشَّی است که ابن عباس را مورد نکوهش قرار داده است. (کشی، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۱) درحالی‌که علامه می‌نویسد: «ابن عباس از اصحاب رسول خدا (ص) و دوستدار علی (ع) و شاگرد او بود. وی در اخلاص به امیرالمومنین مشهورتر از آن است که بر کسی پوشیده ماند. ابن عباس برتر از این نسبت‌های نارواست.» (حلی، ۱۴۰۳: ۵۱/۱ و ۱۰۳) متن تفسیری ابن عباس در دسترس نیست، اما کتاب‌هایی که در تفسیر به نام ایشان جمع‌آوری شده بسیار است. مانند: تنویر المقیاس، صحیفه علی بن ابی‌طلحه، غریب القرآن فی شعر العرب، تفسیر ابن عباس عن الصحابه، تفسیر الجلودی عن ابن عباس، تفسیر ابن عباس و تفسیر عکرمه عن ابن عباس. از میان تفاسیر فوق سه تفسیر نخست منتشر شده و قابل استفاده است. تفسیر چهارم و پنجم را نجاشی در رجال خود به ابن عباس نسبت داده و تفسیر ششم و هفتم را نیز ابن ندیم در الفهرست ذکر کرده است (سیوطی، ۱۳۸۰: ۵/۲؛ نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۶۸؛ ابن ندیم، ۱۴۱۵: ۵۳) برخی از شیوه‌های تفسیری ابن عباس عبارتند از: ۱- استفاده از اشعار عرب که خود نشانه تسلط ایشان بر زبان‌شناسی و ادبیات عرب است. شاخص‌ترین اثری که ابن عباس در آن به شعر عرب استناد کرده، پرسش‌های نافع بن ازرق است. (سیوطی، ۱۳۸۰: ۱/۲۵۸)؛ ۲- آگاهی به لغات عرب: ابن عباس از لغات و محاورات عرفی - به‌ویژه اعراب بادیه‌نشین - برای فهم واژه‌های قرآن استفاده می‌کرد. معروف است که گفت: من معنای (فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...) را نمی‌دانستم تا اینکه دو مرد بادیه‌نشین نزد من آمدند و درباره چاهی با هم مشاجره می‌کردند، یکی از آنها گفت: «انا فطرتها» دیگری گفت: «انا ابتداتها» من کندن چاه را آغاز کردم. ابن عباس از زبان این مرد بادیه‌نشین به معنای فاطر پی برد؛ ۳- تفسیر قرآن به قرآن: یکی از بهترین روش‌های تفسیری بهره‌وری از خود قرآن برای تفسیر است؛ ۴- استفاده از اسباب نزول: اسباب نزول تأثیر مهمی در فهم آیات قرآن دارد، چرا که قرآن کریم در زمان‌ها، حوادث و مناسبت‌های گوناگونی نازل شده و تبیین آن حادثه مفهوم آیه را روشن‌تر می‌سازد؛ ۵- استناد به قول پیامبر (ص): البته در برخی موارد ابن عباس به اجتهاد شخصی خود عمل کرده است.

۳-۲- عبدالله بن مسعود

ابن مسعود یکی از معروف‌ترین مفسران و اصحاب رسول خدا (ص) است. او نخستین کسی بود که در مکه قرآن را آشکارا و با صدایی بلند تلاوت کرد و به گوش قریش رسانید و در این راه آزار و شکنجه دید. خلیفه دوم در زمان حکومتش ابن مسعود را به کوفه فرستاد تا قرآن، شرایع و احکام را به کوفیان تعلیم دهد. باید او را پایه‌گذار مکتب تفسیری کوفه دانست، زیرا مفسران کوفه در زمان تابعان از تفسیر او پیروی می‌کردند. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۸۷/۱) ابن مسعود در مورد علی (ع) گفت: «او بهترین مردم و عالم‌ترین آنان بعد از رسول خدا (ع) بود و او را چون دریایی روان دیدم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۵/۸۹) روایات زیادی بر شیعه بودن ابن مسعود دلالت می‌کند. روایت «خلفای بعد از رسول خدا (ص) به عدد نقبای (رهبران) بنی‌اسرائیل هستند» به واسطه ایشان نقل شده است. هم‌چنین موضع‌گیری او در برابر عثمان، دستور عثمان به اخراج او از مسجد، شکسته شدن دنده‌اش و تازیانه زدن بر او برای نماز خواندن بر ابوذر در منابع ذکر شده است. (علامه امینی، ۱۳۹۷: ۴/۶) برای ابن مسعود در تفسیر تنها مصحف نامبرده شده و کتابی دیگر برای وی ذکر نشده است. این مصحف ۱۱۱ سوره دارد که از سوره‌های فاتحه و معوذتین (فلق و ناس) خالی است. ایشان

سوره فاتحه را جزء قرآن می‌دانست اما معتقد بود چون مسلمانان در نمازهای یومیه همیشه آن را می‌خوانند حفظ خواهد شد از این رو به ثبت آن نیازی نیست، ولی دو سوره معوذتین را از تعویذات پیامبر می‌دانست. نکته دیگر در مصحف ایشان اضافاتی است که بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی آن را نکات تفسیری می‌نامند نه الفاظ قرآنی. عبارت «کان الناس امه وحده فاختلقوا فیبعث الله النبیین مبشرین و منذرین...» از قرائت ایشان است. تعبیر به اختلافوا از اضافات تفسیری ابن مسعود بوده و مفهوم آیه و علت بعثت انبیا را روشن می‌کند؛ یعنی چون مردم با هم اختلافاتی داشتند، خداوند پیامبرانی را برانگیخت تا وحدت ایجاد کنند.

۳-۳- ابی بن کعب

ابی یکی از معروف‌ترین مفسران صحابه است. او از نادر نویسندگان عصر رسالت بود که چون مسلمان شد از کاتبان وحی گردید و در عقبه دوم با رسول خدا (ص) بیعت کرد. (زرکلی، ۱۴۱۰: ۸۲/۱) مطابق روایات زیادی او مدافع ولایت علی (ع) بوده است. ابن کعب چون در قرائت سرآمد صحابه بود به سید القراء معروف شد. روایات تفسیری زیادی به ابی بن کعب نسبت داده‌اند که می‌توان در سه بخش آنها را معرفی کرد: ۱- روایات تفسیری ابی بن کعب: در تفاسیر شیعه و اهل سنت روایاتی در تفسیر آیات قرآن نقل شده است از جمله در تفسیر تیبیان (۲۸۰/۱-۲۸۲) از شیخ طوسی، روح الجنان (۴۱۸/۱۰؛ ۱۷۱/۶) و از ابوالفتح رازی. ۲- مصحف ابی بن کعب: برای ابی مصحفی نقل شده که در برخی ویژگی‌ها مانند مصحف ابن مسعود است. این مصحف مشتمل بر ۱۱۵ سوره است که سوره فیل و قریش یک سوره شمرده شده ولی سوره خلع و حقد بعد از سوره والعصر افزوده شده است. این مصحف با سوره حمد آغاز و با معوذتین پایان می‌یابد. افزودن سوره خلع و حقد خلاف دیدگاه سایر صحابه و اجماع مسلمانان است؛ زیرا کسی این دو را از قرآن نمی‌داند. این مصحف نیز مانند مصحف ابن مسعود دارای اضافاتی است که همان اضافات تفسیری ایشان بوده و از الفاظ وحیانی قرآنی کریم نیست. از ابی قرائت شده است: (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ (الِیْ اَجْلِ مَسْمِی) فَاتَوْهَنْ اُجُورَهْنَ فَرِیْضَه ...) افزودن «الی اجل مسمی» که از آیه نیست؛ تفسیری برای آیه است که تصریح دارد چنین عقدی و نکاحی موقت و تا زمان معین است. ۳- در رابطه با فضائل سور بسیاری از مفسران از جمله ثعلبی، واحدی نیشابوری و زمخشری برای هر یک از سوره‌های قرآن حدیثی را از ابی بن کعب از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند (علوی مهر، ۱۳۸۷: ۷۰)

۴- مفسران سده دوم

در سده دوم هجری مفسران شیعی علاوه بر استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) بر اندیشه و اجتهاد خویش نیز تکیه می‌کردند. با گسترش مرزهای اسلامی مکاتب تفسیری متفاوتی شکل گرفت که مهم‌ترین آنها در مکه، مدینه و عراق رشد نمود و در هر کدام از آن‌ها جمعی از تابعان درخشیدند. مکه از مشهورترین مراکز تفسیر بود؛ ابن عباس (م ۶۸) که خود را شاگرد علی (ص) می‌دانست در شهر مکه سابقه طولانی داشت، (سیوطی، ۱۳۸۰: ۲۴۰/۴) از این رو، مفسران مکه شیوه تفسیری ابن عباس را دنبال کردند. پس از مکه، مدینه در کنار نقل به تعقل در تفسیر اهتمام داشت. حضور امامان معصوم در مدینه سبب شد مفسران، تفسیر قرآن را بدون کم و کاست از علی (ع) و ائمه اطهار (ع) فرا گیرند؛ چرا که ایشان تمام یا بخشی از زندگی خود را در مدینه سپری کرده بودند. (مؤدب، ۱۳۹۰: ۱/۴۹) طبق اسناد تاریخی از ۲۰۰ مفسر شیعی که با عنوان صحابی و تابعین در دوران حیات ائمه از امامان معصوم (ع) یا اصحاب آنان روایت کرده‌اند ۸۵ نفر (یک نفر صحابه، ۲۲ نفر تابعی، ۶۲ نفر پس از تابعین) صاحب تألیف بوده و کتاب داشته‌اند. لازم به ذکر است ۶۳ تن از ۲۰۰ نفر، بدون واسطه از محضر علمی امام بهره برده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۵۸-۲۵۹/۱)

از زمان خلیفه دوم عراق به تدریج از مراکز مهم اسلامی گردید، انتخاب کوفه بعنوان پایتخت در دوران حضرت علی (ع) نیز سبب

۱. برخی شام را به خاطر وجود ابوالورداء جزء مکاتب تفسیری سده دوم می‌دانند به نظر می‌رسد تفسیر در آنجا رونقی نداشت. (مؤدب، ۱۳۹۰:

شد مفسران در کوفه و بصره علم تفسیر را از علی (ع) و ابن مسعود بیاموزند. قابل ذکر است که در منابع رجالی چون الاعلام زرکلی و رجال شیخ طوسی از بیست و پنج نفر دیگر چون زید بن وهب، ضحاک بن مزاحم، ابان بن تغلب نام برده شده که به هیچ‌کدام از این مکاتب منتسب نبوده‌اند. پس از عصر رسول خدا (ص) گروهی از تابعان به فهم و تفسیر قرآن پرداخته و به تدریج اظهار نظر و اجتهاد در تفسیر را آغاز نمودند. بیشتر مفسران تابعی از شاگردان ائمه اطهار (ع) می‌باشند. امام علی (ع) ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب و ایشان مفسران بعدی را تربیت نمودند. گرچه در کلان شهرهای اسلامی آن روز، مدارس تفسیری مانند مدرسه مکه، مدینه، عراق (کوفه و بصره) تاسیس شد، اما تابعان بسیاری از دانش تفسیری امام سجاد، امام باقر و امام صادق (ع) بهره‌مند شده‌اند.

۴-۱- مدرسه مکه

سعید بن جبیر و مجاهد بن جبیر از مفسران برجسته مدرسه مکه بودند. (کشی، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۳۵) سعید (متوفای ۹۵ ق) اعلم تابعان و مفسران زمان خود، شاگرد ابن عباس، اهل کوفه و ساکن مکه بود. روایات فراوانی در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی از او نقل شده است. وی، شیعه و از محبان اهل بیت بوده که مورد ستایش امام زین العابدین (ع) هم قرار گرفته است. سعید بن جبیر به روش‌های مختلفی چون بیان مفردات قرآن، مصداق و شأن نزول آیات تفسیر می‌کرد، هم‌چنین از ایشان تفسیر قرآن به قرآن، اسباب نزول و ... نقل شده است. (علوی‌مهر، ۱۳۸۷: ۸۹-۹۰) از مجاهد بن جبیر (متوفای ۱۰۴ ق) قاری و مفسر مکه، نیز روایات تفسیری فراوانی نقل شده که به نقل از امیرالمومنین، علی (ع) و ابن عباس می‌باشد. او انسانی موثق و امین، فقیهی پرهیزکار، صاحب احادیث فراوان و دانشوری خوش حافظه و با دقت بود (ذهبی، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۱۶)

برخی ویژگی‌هایی تفسیر ابن جبیر عبارتند از: حریت در ارائه آرا و دیدگاه‌های عقلی، توجه به تشبیه و تمثیل، توجه به نکات عرفانی و ذکر فضائل امیرالمومنین (ع) (معرفت، ۱۴۱۹: ۱/ ۳۳۷). حاجی خلیفه در کشف الظنون کتابی به نام تفسیر مجاهد را نام می‌برد که سندهایی مانند طریق ابن ابی‌نجیح و ابن جریج دارد. (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳: ۵۸) این اثر تفسیری به هم نایب‌وسته و به ترتیب سوره‌ها از سوره بقره تا سوره ناس در دو جلد (حدود هشتصد صفحه) می‌باشد. برخی معتقدند مجاهد بن جبیر (سال ۱۰۴) برای اولین بار تفسیر قرآن را به صورت کتاب درآورده است. (ر.ک: امین، بی‌تا: ۹/۱)

۴-۲- مدرسه مدینه

حوزه مدینه فعالیت علمی و فرهنگی خود را از عصر پیامبر اکرم (ص) با تعلیم قرآن و بیان احکام شرع آغاز نمود. پس از پیامبر (ص)، علی (ع) مهم‌ترین نقش را در رونق علمی این حوزه ایفا کرد و شاگردان او چون ابن عباس در تفسیر قرآن درخشیدند. (سید کباری، ۱۳۷۸: ۱۳۶) گرچه با شهادت امام حسین (ع) حضور شیعیان در این منطقه کم‌رنگ گردید ولی امام سجاد (ع) زمینه‌آیی آن را فراهم کرد. (العشی، بی‌تا: ۶۷، کشی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۱۷) شیعه در زمان امام باقر (ع) فشار و تگناهای اجتماعی کاهش یافت. از این رو بزرگان فقه و حدیث به قصد بهره‌گیری علمی به حضرت مراجعه می‌کردند. در دوران امام باقر (ع) شمار راویان و نیز روایات آن حضرت، رو به فزونی نهاد، به گونه‌ای که تعداد روایات نقل شده از آن حضرت از لحاظ تعداد بیش از روایاتی بود که از پدر ایشان و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) باقی مانده بود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۸: ۳/ ۳۲۷) عصر امام صادق (ع) یعنی دوران درگیری امویان و عباسیان بر سر قدرت، فرصتی مغتنم برای دانشمندان شیعی جهت درک محضر علمی ایشان در مدینه بود. لذا شیعه از این امام در هر علم و فن روایت دارد. (همان، ۹۷-۹۸) ولی با توجه به سنت‌گرایی این مرکز در برابر نظریات جدید و تحولات عالمان فرق غیر شیعی این حوزه شکوفایی خود را از دست داد البته سفر امام رضا و امام جواد به مرو و هجرت امام‌هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به سامرا سبب محرومیت حوزه علمی مدینه از وجود پرفیض امامان معصوم (ع) گردید. (امین، ۱۴۱۳: ذیل ماده مدینه)

۲. برخی از ابوموسی اشعری به عنوان محور تفسیر در بصره یاد کرده‌اند.

ابوحزمه محمد بن کعب قرظی و زید بن اسلم عدوی (متوفای ۱۳۶ق) از نامداران مدرسه مدینه هستند. ابوحزمه ابتدا در کوفه و سپس در مدینه ساکن شد. در کتب تفسیری شیعه و اهل سنت آرای او نقل کرده‌اند و کتابی در تفسیر نیز برای وی ذکر شده است. ابوحزمه به وثاقت، عدالت، تقوا و کثرت نقل حدیث و نیز تاویل قرآن مشهور است. حاجی خلیفه به محمد قرظی تفسیری را منسوب کرده که موجود نیست. برخی گونه‌های تفسیری ایشان عبارت است از توضیح مفاهیم عام، بیان اصطلاحات و تعیین مصداق. زید بن اسلم از اصحاب امام سجاد (ع) و مفسران اهل مدینه، در سند روایات اهل سنت و شیعه آمده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ۹۰) اقوال تفسیری این اسلم عبارت است از: بیان مصداق و اصطلاحات، واژه‌شناسی، بهره‌وری از تاریخ و استفاده از اسباب نزول. (داوودی، ۱۳۹۲: ۱۷۷/۱)

۴-۳- مدرسه عراق

خلافت علی (ع) در گسترش تشیع در شهر کوفه، مهم‌ترین نقش را داشت. امام علی (ع) کوفه را کنز الایمان، جمجمه الاسلام و قبه الاسلام خطاب می‌کرد. (براقی نجفی ۱۳۸۱: ۱۱۲) پس از شهادت امیرمؤمنان، شیعیان کوفه با فرزندش حسن بن علی (ع) بیعت کردند. به دنبال قیام امام حسین (ع) و حوادث رخ داده پس از شهادت آن بزرگوار، کوفه به کانون سیاسی و فرهنگی علیه خلفای اموی و بعدها علیه خلفای عباسی تبدیل شد. ظهور جریان‌هایی چون قیام توابین و مختار و حمایت از زید بن علی (۱۲۲)، نشانگر وجود تمایلات قوی شیعی در این شهر است. در اوایل عصر عباسی کوفه رونق خود را حفظ کرد چرا که تا سال (۱۴۹) دیوان‌های مرکزی در این شهر قرار داشت. (جعیت، ۱۳۷۲: ۳۸۱) در همین دوران تبعید امام صادق (ع) در محله بنی عبدالقیس کوفه، سبب تقویت تشیع و حرکت علمی در کوفه گردید. بسیاری از پیروان امام کاظم (ع) چون علی بن حمزه و حیان سراج، برخی از صحابه امام جواد (ع) چون ابوجعفر بزنطی (۲۲۱) و کسانی از یاران امام عسکری (ع) چون علی بن حسن فضال، کوفی بودند. (جاسم، ۱۳۷۷: ۶۴) هم‌چنین کوفیانی مانند زراره بن اعین از خاندان زراره، محمد بن نعمان و هشام بن سالم از نخستین متکلمان شیعی با عقاید غلات در کوفه به مبارزه برخاستند. (اقبال، ۱۳۱۱: ۸۱-۸۰)

مسجد کوفه مهم‌ترین پایگاه تعلیم و آموزش فقه و حدیث شهر بود. (مظفر، بی تا: ۱۴۲-۱۴۱) توجه امامان شیعه به مسجد کوفه به عنوان پایگاه علمی، به ویژه هنگام ورود امام صادق در زمان خلافت سفاح عباسی به این شهر و استقرار ایشان در این مسجد و نقل حدیث برای شیعیان کوفه، سبب اهمیت این مرکز گردید. (براقی نجفی، ۱۳۸۱: ۴۰۸) نجاشی می‌نویسد: «از امام صادق (ع) ۹۰۰ شیخ در کوفه آموخت» (نجاشی، ۱۳۹۸: ۳۱) و طوسی نام بسیاری از این راویان را در کتاب خود ذکر می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۰: ۲۳۶-۲۴۰) یکی از خدمات محدثین کوفه به علم حدیث تدوین منابع حدیثی است. کوفه علی‌رغم متأثر بودن از اختلافات چنان به مرکزیت شیعی مشهور بود که اگر می‌خواستند فردی را شیعی بخوانند، او را کوفی مذهب می‌نامیدند. (شمس‌الدین، ۱۹۵۳: ۶۰) این مدرسه فرهیختگانی مانند قتاده بن دعامه سدوسی (متوفای ۱۱۷) و جابر بن یزید جعفی (متوفای ۱۲۸) را به خود دیده است. قتاده ساکن بصره و از دانشمندان بزرگ عصر خود بود؛ وی دارای حافظه‌ای قوی، اطلاعاتی گسترده در اشعار ایام عرب، انساب و لغت در زبان تازی بوده است. برخی قتاده را قائل به «قدر» (جبر) می‌دانند. نمونه‌های تفسیری او عبارتند از: بیان مصداق، توضیح اصطلاح قرآنی، بیان قید آیات و توضیح احکام و بیان شان نزول. جابر نیز از مفسران تابعی و از اصحاب و شاگردان امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) بود. روایات فراوانی در تفسیر، احکام و ویژگی‌های اهل بیت (ع) از او نقل شده که نشانه شیعه بودن وی است. جابر کتاب‌های زیادی دارد که از جمله آن‌ها «تفسیر» است. آرای تفسیری جابر عبارتند از: بیان ناسخ و منسوخ، تفسیر ولایی و تفسیر کلامی و اعتقادی.

۱. نجاشی از علم آموزی نهصد شیخ در مسجد کوفه از کرسی امام ششم خبر می‌دهد. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۳: ۶۴)

۵- بررسی تطبیقی آثار تفسیری دوسده نخستین

پیامبر اسلام (ص) همواره تمسک به قرآن را سفارش می‌نمود از این رو صحابه قرآن‌شناس، به تفسیر و توضیح آیات پرداختند. بررسی آثار مفسرانی چون ابن عباس، ابن مسعود و ابی‌بن‌کعب نتیجه می‌دهد که در این دوره، چون تفسیر به عنوان علمی مستقل مطرح نبوده، کتاب مستقل و جامعی در مورد آن تدوین نشده است. نوشته‌های تفسیری نیز بر اساس ترتیب آیات شکل نگرفته است. (معرفت، ۱۴۱۹: ۳۰۸/۱) همچنین هرچند روایات و آرای تفسیری متخصصین بسیار اندک بود اما چون در عصر نزول آیات می‌زیستند و به زبان نزول و اسباب و فضای نزول آیات آگاه‌تر بودند، آرای تفسیری بسیار ارزشمندی داشتند. مانند عبدالله بن عباس از شاگردان حضرت علی (ع) که استفاده علمی فراوانی از آن حضرت برد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۵/۹۲)

همچنین با توجه به این که مصادر تفسیری این دوره عبارت بود از قرآن، سنت پیامبر (ص)، شأن نزول آیات و اجتهاد معصومان (ع) اعم از روایت پیامبر (ص) (در استفاده اهل سنت) و امامان معصوم (در استفاده شیعه)، تفسیر عصر صحابه، شاخه‌ای از حدیث به شمار می‌آمد. براساس قول پیامبر (ص) که «قرآن نازل نشده تا برخی از آن به تکذیب برخی دیگر بپردازند، بلکه نازل شده تا یکدیگر را تایید و تصدیق کند.» (سیوطی، ۱۴۱۴: ۸/۲) صحابه در تبیین ابهامات تفسیری و درک مجملات قرآنی علاوه بر قرآن به پیامبر (ص) مراجعه می‌کردند. بنابراین در این دوره تفسیر روایی یعنی تفسیر قرآن به استناد روایات و سنت شکل گرفت اما در مواردی که آیات دارای شأن نزول بود، مفسران در تفسیر آیه از شأن نزول آن کمک می‌گرفتند. (زرکشی، ۱۳۹۱: ۲۹۱/۱) استناد به شعر و اجتهاد در تفسیر آیات از شاخص‌های دیگر این دوره است. ذهبی می‌نویسد: «خلیفه دوم مفسران را در تفسیر آیات به شعر عرب ارجاع می‌داد و می‌گفت: دیوان خود را حفظ کنید تا گمراه نشوید. پرسیدند: دیوان کدام است؟ گفت: شعر جاهلیت، زیرا تفسیر کتاب شما و معانی گفتارشان در آن موجود است.» (ذهبی ۱۳۸۱: ۷۴/۱) غالب تفاسیر سده اول کوتاه و گاهی در حد معنی لغوی بود و تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی کامل برای تمامی آیات شکل نگرفت (مؤدب، ۱۳۹۰: ۵۸) زیرا مفسران در جستجوی انشقاق کلمات یا شاهد و دلیل نبودند و با عباراتی کوتاه و رسا آیات را توضیح می‌دادند. مفسران این زمان از مذهب یا گرایش تفسیری خاصی جانبداری نمی‌کردند بلکه هم‌سان می‌اندیشیدند. (معرفت، ۱۴۱۹: ۳۰۸/۱) به عبارت دیگر عدم رواج احتجاج‌های فقهی و کلامی در این دوره موجب گردید که تفاسیر از جدل و تصادف آرای ناشی از گرایش‌های تفسیری دور بماند.

یکی دیگر از امتیازات مفسران این بود که عمده برداشت‌های خود را منحصر به تفسیر آیه به آیه یا روایت به روایت می‌کردند و کم‌تر مفسری به برداشت و رأی خود متمایل می‌گشت. همچنین از اخبار اهل کتاب فقط در مواردی استفاده می‌شد که در آن مورد شأن نزول یا روایتی از معصومان وجود نداشت. مهم‌تر این که تفاسیر سده اول با کم‌ترین واسطه به پیامبر (ص) می‌رسید و نسبت به دوره‌های بعد از روایان کم‌تری برخوردار بود. این تفاسیر به علت کم بودن واسطه‌ها و گسترش نیافتن نظریات مفسران به اعتبار نزدیک‌تر بود. (معرفت، ۱۴۱۸: ۳۰۹/۲) علم تفسیر در سده دوم شاهد تحولات مهمی بود علاوه بر رشد کیفی آثار تفسیری، گسترش مرزهای اسلامی و آشنایی مسلمانان یا ادیان و تمدن‌های ملل دیگر، دامنه سوال و ابهام را برای مسلمانان گشود. گرچه قرآن مسلمانان را برای رفع شک و تردید به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) رجوع داده، ولی جریان‌های سیاسی مخالف مانع تحقق این امر شدند. بدین ترتیب از سویی مفسران تحت‌تأثیر گرایش‌های فکری خود از شیوه‌ای واحد برخوردار نبودند و از سوی دیگر پیروان مکاتب اشاعره، معتزلی، خوارج و شعوبیه که تا حدی مولود سیاست‌های خلفای اموی و عباسی بودند، موجبات اضطراب و تشویش فکری را بوجود آورده و سبب جدال‌های مذهبی شدند. در این دوره مفسران بزرگی چون مجاهد بن جبیر (۱۰۴) و طاووس بن کیان (۱۰۶) عصر تدوین را رقم زدند.

با توجه به مطالب پیشین برخی از شاخصه‌های آثار تفسیری سده دوم از این قرار است: ۱- ورود اسرائیلیات به منابع تفسیری که یکی از ضعف‌های آثار این دوره است. ابن‌خلدون می‌نویسد: «گفتارهای اهل کتاب در تفسیر قرآن وارد شده و مطالب درست و نادرست به عنوان تفسیر تلقی می‌گردید. (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۱۴۳۹) نقل اسرائیلیات از سده اول آغاز شد و در سده دوم گسترش یافت؛ زیرا برخی از اهل کتاب پس از مسلمانی هنوز اسرائیلیات را نقل می‌کردند. گروهی هم به علت ارتباط نزدیک با اهل کتاب تحت‌تأثیر

آنان بودند به عنوان مثال مفسران در تفسیر آیاتی چون اخبار شروع خلقت و تکوین انسان از کعب‌الاجبار نقل می‌کردند و تحقیق درباره این مطالب را ضروری نمی‌دانستند. ۲- تفسیر به رأی یا تفسیر آیات بر اساس قیاس و مرجحات ظنی بدور از اصول عقلی و تدبیر نیز در منابع سده دوم ظهور کرد (ایازی، ۱۴۱۴: ۳۸) این روش در واقع نوعی استقلال رای در فهم قرآن بدون مراجعه به اهل بیت (ع) است. (خویی، ۱۴۰۹: ۲۶۹) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر نماید جایگاهش در آتش است.» (ترمذی، بی‌تا: ۱۹۹/۵) البته این نکوهش در مورد تدبیر در قرآن و تفسیر اجتهادی و عقلی صدق نمی‌کند.

۳- مفسران سده دوم برای فهم معانی قرآن بر تعقل و تدبیر و اجتهاد تأکید می‌کردند، مکتب تفسیری مکه در بین مکاتب مدینه و عراق در این حوزه پیشگام بود. پس از مکه، مفسران عراق به اصحاب نظر و اجتهاد معروفند. (مؤدب، ۱۳۹۰: ۲۱۴) در این دوره تفسیر از مباحث ساده و یکدست به مباحثی با گرایش‌های کلامی، فلسفی و فقهی متمایل شد. چنان‌که حسن بصری تفسیر قرآن را بر اساس مذهب قدریه بیان می‌کرد و به تکفیر منکران قدر می‌پرداخت. ۴- بر خلاف دوره صحابه که تفسیر به آیات خاصی محدود می‌شد و در غالب پرسش‌ها و توضیحات کوتاه و مختصر بود در سده دوم نگرش‌های تفسیری غالب یا تمامی آیات را در بر می‌گرفت و از تفصیل بیشتری برخوردار بود. در این دوره مفسران آیاتی که شأن نزول خاصی داشتند بر موارد مشابه تطبیق می‌دادند که از ذوق سلیقه آنان ناشی می‌شد و حکایت از نوعی تأویل داشت. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۴۲/۱)

۵- وثاقت آراء مفسران در سده دوم نیاز به بررسی بیشتری دارد؛ زیرا بر خلاف دوره صحابه که مطالب تفسیری از پیامبر (ص) نقل می‌شد در این دوره با واسطه چند راوی، سند روایت به پیامبر (ص) می‌رسید. (مؤدب، ۱۳۹۰، ۲۱۹). البته نگاه‌های مفسران شیعی در صورت استناد به گفتار ائمه (ع) مورد اطمینان بود. ۶- در سده دوم گروهی از دانشمندان به طور مستقل به تفسیر نگاری اشتغال داشتند و این علم مستقل گردید. بزرگانی چون مجاهد، قتاده، زید بن اسلم و ... کتاب تفسیری داشتند. (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰/۱؛ سزگین، ۱۴۰۳: ۱۶۳/۲) ۷- در دوره تابعان، مفسران علاوه بر منابع مورد استفاده صحابه (قرآن، سنت، لغت و شعر، شأن نزول) از علوم و دانش‌های روز (علوم طبیعی)، کنایات و استعارات، اقوال و صحابه و اجتهاد و استدلال‌ات عقلی مدد می‌جستند.

نتیجه‌گیری

از مقایسه ویژگی‌های آثار تفسیری سده اول و دوم بدست می‌آید که وثاقت آرای تفسیری از امتیازات نگاه‌های تفسیری سده اول است چراکه حیات مفسران مقارن با عصر نزول و اسباب نزول بود همچنین تفاسیر صحابه تحت‌تأثیر گرایش‌های فکری خاص نبود به همین علت تفسیر به رأی به‌ندرت صورت می‌گرفت. اما در سده دوم هجری علاوه بر افزایش کمی نبشته‌های تفسیری با پیشرفت کیفی روبرو هستیم تنوع در آثار تفسیری (فقهی، کلامی، اخلاقی) پیدایش مدارس تفسیری (مدینه، مکه، عراق) تکامل، نظم و انسجام مکتوبات تفسیری (ترتیب بر اساس آیات و موضوعات)، افزایش منابع تفسیری (اجتهاد و علوم روز) از برجستگی‌های علم تفسیر در این دوران است. ولی باید به ورود اسرائیلیات در تفاسیر، افزایش تفسیر به رأی و طولانی شدن راویان سند تفاسیر که گاهی به ضعف سند منجر می‌شد، به عنوان نقاط ضعف این دوره اشاره نمود. به نظر می‌رسد، جدایی قرآن و عترت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حاکمان زمینه از مهم‌ترین علل این آسیب‌ها در قرن دوم است که مطابقت آرای مفسران را با نظریات معصومین مخدوش می‌کرد.

تالیفات سده اول	تالیفات سده دوم
سادگی و ایجاز	پیشرفت علم تفسیر و بهره‌مندی از علوم روز
عدم تفسیر رای	تفسیر به رأی
آمیخته نشدن با اسرائیلیات	ورود اسرائیلیات
انکا بردانش معصومین و قطعیت	جدایی قرآن از عترت و مخدوش شدن قطعیت
فقدان اثری جامع و مستقل	نگارش کتاب‌های تفسیری مستقل
توضیح و شرح آیات بر اساس روایات	آرای تفسیری براساس تعقل و اجتهاد
یکدستی رویکردهای تفسیری (روایی)	گرایش‌های کلامی، فلسفی و فقهی در تفسیر

فهرست منابع

۱. ابن تیمیة، تقی الدین احمد، (بی‌تا)، *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت، دار مکتبه الحیاه.
۲. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۰۴)، *تهذیب التهذیب*، هند، دائره المعارف النظامیه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، (بی‌تا)، *مقدمه تاریخ*، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن خلکان، شمس الدین احمد، (بی‌تا)، *وفیات الاغیاء و انباء ابناء الرمان*، بیروت، دارالثقافه.
۵. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۸)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، مکتبه علامه.
۶. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۸)، *الصاحبی فی فقه اللغة العربیه و مسائلها و سنن العرب فی کلامها*، بیروت، دارالکتب العربیه.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۴۱۵)، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفه.
۸. ابوریة، محمود، (بی‌تا)، *اضواء علی السنه او دفاع عن الحدیث*، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم.
۹. اقبال، عباس، (۱۳۱۱)، *خاندان نوبختی*، تهران، مطبوعه مجلس.
۱۰. امین، حسن، (۱۴۱۳)، *دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۵)، *مقدمه جامع التفاسیر*، کویت، دارالدعوه.
۱۲. امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷)، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۳. امین، نصرت بیگم، (بی‌تا)، *مخزن العرفان فی علوم القرآن*، اصفهان، کتابفروشی ثقفی.
۱۴. ایازی، سید محمدعلی، (۱۴۱۴)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، رازره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۱۵. بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. براقی نجفی، حسن، (۱۳۸۱)، *تاریخ کوفه*، ترجمه سعید راد رحیمی. مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۱۷. پاکتچی، احمد، (۱۳۶۹-۱۳۶۸)، *مدخل تفسیر*، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۸. تقی پور، ولی الله، (۱۳۷۱)، *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن*، تهران، انتشارات اسوه.
۱۹. جاسم، حسین، (۱۳۷۷)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.
۲۰. جعیط، هشام، (۱۳۷۲)، *پیدایش شهر اسلامی*، ترجمه ابوالحسن سروقده مقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
۲۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۴۱۳)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۳)، *الرجال*، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، نجف، حیدریه.

۲۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۸۱)، *دانشنامه قرآنی و قرآن‌پژوهی*، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، چاپ دوم.
۲۵. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۰۹)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، دارالفکر.
۲۶. _____، (۱۴۰۳)، *معجم رجال الحدیث*، بیروت، دارالزهراء.
۲۷. داوودی، محمد بن علی، (۱۳۹۲)، *طبقات المفسرین*، قاهره، مکتبه وهبه.
۲۸. ذهبی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، *التفسیر والمفسرون*، قاهره، دارالکتب الحدیثه.
۲۹. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۸۳)، *هرمنوتیک و منطق فهم دین*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۳۰. زرکشی، بدرالدین، (۱۳۹۱)، *البرهان فی العلوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
۳۱. زرکلی، خیرالدین، (۱۴۱۰)، *الاعلام قاموس تراجم الاشراف الرجال والنساء*، بیروت، *دارالعلم للملایین*، چاپ پنجم.
۳۲. زیدان، جرجی، (بی‌تا)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
۳۳. سزگین، فؤاد، (۱۴۰۳)، *تاریخ نگارندهای عربی*، به اهتمام خانه کتاب، تهران، ترجمه و تدوین مؤسسه نشر فهرستگان.
۳۴. سید کباری، علیرضا، (۱۳۸۷)، *حوزه‌های علمیه شیعه در گسترش جهان*، تهران، امیرکبیر.
۳۵. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۴)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، مکتبه فخرالدین.
۳۶. شمس‌الدین، محمدرضا، (۱۹۵۳)، *حدیث الجامعه التجفیه*، نجف، مطبعه العلمیه.
۳۷. صدر، سیدحسن، (بی‌تا)، *تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، تهران، منشورات الاعلمی.
۳۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، *شیعه در اسلام*، مشهد، نشر قدس رضوی.
۳۹. _____، (بی‌تا)، *قرآن در اسلام*، مشهد، طلوع.
۴۰. _____، (۱۳۹۱)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، نشر جامعه مدرسین.
۴۱. طبری، فضل بن حسن، (۱۹۵۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، قاهره، بی‌نا.
۴۲. العشی، اسحاق، (بی‌تا)، *الإمام علی بن الحسین و الخلافة الإسلامیة*، بیروت، دار الفکر اللبنانی.
۴۳. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۷۲)، *طبقات مفسران شیعه*، قم، نوید اسلام.
۴۴. علوی مهر، حسین، (۱۳۸۷)، *روش و گرایشهای تفسیری*، تهران، انتشارات اسوه.
۴۵. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۵)، *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۴۶. فضل‌الله، محمد جواد، (۱۴۰۱)، *الامام الصادق*، بیروت، دارالزهراء.
۴۷. کشی، ابو عمرو محمد، (۱۴۰۴)، *اختیار معرفه الرجال*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۴۸. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۳)، *الکافی*، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ پنجم.
۴۹. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۴)، *هرمنوتیک*، کتاب و سنت، تهران، طرح نو.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۵۱. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۲. مظفر، محمدرضا، (بی‌تا)، *تاریخ شیعه*، قم، مکتب بصیرنی.
۵۳. معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۸)، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب*، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۵۴. مفید، محمدبن نعمان، (بی‌تا)، *الاختصاص*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین.
۵۵. مؤدب، سیدرضا، (۱۳۹۰)، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۵۶. نجاشی، احمدبن علی، (۱۴۱۳)، *رجال النجاشی*، قم، مکتب الداوری.